



گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین مؤمنی

میان رشته ای :: منبر :: پاییز 1390 - شماره 1-

از 170 تا 172

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/837656>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 21/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سید حسین مؤمنی

سال ورود شما به حوزه؟

۱۳۶۵.

سال شروع به تبلیغ.

حدود ۱۳۷۱.

اولین جایی که منبر رفتید؟ چه خاطره‌ای از آن دارید؟

اولین هیأت‌هایی که برای سخنرانی رفته هیأت سیدالشهدا در خیابان آذر، انصارالشهدا و هیأت بچه‌های شاهد (هیأت صاحب‌الزمان) بود. اما به یاد دارم که اولین سخنرانی من در هیأت طفلان حضرت زینب علیها السلام در خیابان ۱۷ شهریور تهران بود.

آخرین تبلیغ شما کجا بوده است؟

ایام ماه محرم و صفر بود که در مسجد ارک تهران، رزمندگان شرق تهران و مهدیه‌ی تهران منبر داشتم.

وضعیت منطقه‌ی آخرین تبلیغ شما در چند جمله‌ی کوتاه.

چیزی که من در این ایام اخیر مشاهده کردم این بود که اقبال مردم بخصوص جوانان به سخنرانی نسبت

به قبل که علاقه به مداحی داشتند زیاد شده است. چیزی که قبلاً مشاهده نمی‌شد. این توجه مردم به سخنران و سخنرانی در خیلی از شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان، شیراز و جاهای دیگر ایجاد شده که باید منبری‌ها به این مسأله عنایت داشته باشند و با ارائه‌ی مطالب مفید و جذاب، پاسخ خوبی به این توجه مردم بدهند. من بعضی از شهرها مثل تهران و اصفهان شده که ۴۵ دقیقه صحبت کردم، مردم گله کردند که چرا کم سخنرانی کردید.

از چه سطح و پایه‌ی درس باید و یا می‌توان تبلیغ رفت؟

بنده برای تبلیغ و منبر رفتن، قبل از اتمام پایه‌ی ششم را توصیه نمی‌کنم. حداقل یک دوره فقه و اصول باید فراگرفته باشند. البته اگر کسانی در خود می‌بینند که تبلیغ و منبر بروند، کمی جلم به خرج بدهند و صبر کنند، نهایت این که غیررسمی در میان جمع اهل فامیل خودشان منبر بروند. وقتی پایه‌ی ششم را به اتمام رساندند، بعد به طور رسمی منبر بروند.

■ از ابزارهای نوین تبلیغی استفاده می‌کنید؟
مثل موبایل، اینترنت و وبلاگ و چت؟

☺ نه!

■ خانواده را همراه می‌برید؟ از نبود امکانات
گلایه ندارند؟

☺ در مواردی بله. اما چون بچه‌ها درس و مدرسه دارند، نمی‌توانم ببرم. من چون خودم هم در حوزه تدریس می‌کنم، مسافرت‌های تبلیغی کوتاه یک‌روزه می‌روم؛ لذا خانواده همراه من نیستند.

■ مجلس خاصی از تبلیغ‌های تان به یادتان
مانده؟ چرا؟

☺ مجلس دعای ندهی و مهدیه‌ی تهران روز یازدهم محرم بود که منبر رفتم و پخش مستقیم از تلویزیون شد. بحتی که در آن جا مطرح کردم این بود که اثبات کردم حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها هستند و محدود به دوره‌ی خاص نیست. پس از سخنرانی، مقتل را از روی کتاب خواندم که خیلی مؤثر بود. آقای کافی مدیر مهدیه‌ی تهران می‌گفتند حدود ۷۰۰۰ پیامک و ایمیل آمد که از این مجلس تشکر کرده بودند. این تأثیرگذاری را عنایت حضرت معصومه می‌دانم که برای این مجلس، توسل به ایشان پیدا کرده بودم.

■ حادثه‌ی غیرمنتظره‌ای در تبلیغ برای تان
پیش آمده؟

☺ مسجد ارک تهران یک نفر ناتوان ذهنی پای منبر بنده نشسته بود که وسط مجلس بلند شد و رفت. بعد از ده دقیقه دوباره خواست برگردد که مسؤول نظم جلسه که کنار در ورودی ایستاده بود، اجازه نمی‌داد وسط سخنرانی کسی جلو بیاید. گفت نمی‌شه، برید، که یکدفعه صدای این بنده‌ی خدا به داد و بیداد بلند شد که باعث شد همه برگردند به طرف این بنده‌ی خدا نگاه کنند و بخندند. من از بالای منبر گفتم که اجازه بدید بیاد جلو. راه دادن و این بنده‌ی خدا با پا گذاشتن روی دست و پای مردم آمد جلو و کنار منبر ما نشست، و این باعث خنده‌ی مردم شد. من همان‌جا در دلم توسل پیدا

کردم که: خدایا این بنده‌ی خدا ساکت بنشینه و وسط مجلس داد نزنه، که یکدفعه دیدم این بنده‌ی خدا تمام قامت بلند شد و کنار منبر ایستاد. گفت: «حاج آقا من یک چیزی بگم.» تردید پیدا کردم که چی بگم. گفتم: «بگو.» اما به عنایت اهل بیت که می‌خواستند مجلس به هم نریزد گفت: «خدایا من و این حاج آقا که بالای منبر هست و این مردم را به کربلا برسان.» مجلسی که تا چند دقیقه‌ی قبل مجلس خنده بود، همه شروع کردن به گریه کردن. من هم از فرصت استفاده کردم و بحث را بریدم و زدم به روضه.

■ اهل هنر هستید؟ چه هنری؟

☺ اگر منظورتان خطاطی، نقاشی و این‌ها باشد، به خطاطی علاقه دارم.

■ اصولاً هنر ابزار خوبی برای تبلیغ است؟
چه هنری بیشتر مورد توجه است؟

☺ من هنر را در این می‌بینم که یک سخنران بتواند تمام نیازهای مردم را از قرآن و روایات استخراج کرده و به آن‌ها عرضه کند.

■ از جوان‌ها یا محل تبلیغ هدیه‌ی خاصی
گرفته‌اید؟

☺ هدیه‌ی مادی نه، ولی هدیه‌ی معنوی دریافت کردم. نامه‌های زیادی به دست ما می‌رسه که به دلیل این صحبت‌ها در دل جوان‌ها تحول ایجاد می‌شه. اخیراً جوانی به من نامه نوشته بود که من - به تعبیر خود او - ۳۰ گناه کبیره کردم که شب منبر شما در ارک تهران، در درونم تحولی ایجاد شد. این بزرگ‌ترین هدیه است.

■ دور از خانواده در تبلیغ بیمار شده‌اید؟ چه
کرده‌اید؟

☺ بله. یک بار در مشهد مهمان حرم بودم. مریض شدم و در بیمارستان بستری شدم.

■ بعد از یک منبر سنگین چه چیزی
می‌چسبید؟ یک چایی داغ؟

☺ (خنده) خلوت بعد از منبر را من خیلی دوست دارم که بنشینم و ببینم که این صحبت‌ها چه قدر برای خدا

بود و چه قدر برای غیر خدا، و مطالبی که گفتم چه قدر خودم عامل هستم و چه قدر نیستم.

با بچه های دبیرستانی یا دانشجو در محل تبلیغ ارتباط داشته اید؟

قبلاً داشتیم، ولی الآن نه. قبل در دبیرستان ارتباط داشتیم و نماز جماعت در دبیرستان می خواندم.

پا منبری و یا مریدی داشته اید که منبر شما باعث رشد و تحوّل او شده باشد.

جوانی بود در هیأت رایة العباس شمیران تهران که توی سینه زنی صلیب گردنش می انداخت. گفتم: «چرا صلیب انداختی؟» گفت: «من ارمنی هستم.» امسال شنیدم که به دین اسلام مشرف شده و شهادتین جاری کرده.

بهترین کتابی که خوانده اید و برای تبلیغ از آن خیلی استفاده کرده اید؟

ما یک سری کتاب های کلیدی داریم که به نظرم هر خطیبی باید از آن ها بهره ببرد. خطیب باید یک دوره روایات اصول کافی، یک دوره تفسیر مثلاً جوامع الجامع و تفسیر آقای قرائنی را بخواند. یک دوره ادعیه و زیارات را بخواند. کتاب هایی که من خودم در محرم و صفر با دقت خوانده و بهره بردم خصائص مرحوم شوشتری، البكاء الحسین علیه السلام مرحوم میرجهانی، اسرار الحسین علیه السلام ملاحبیب الله شریف کاشانی بود. در ایام فاطمیه از «جنة العاصمه»ی مرحوم میرجهانی و کلمات حضرت زهرا ی مرحوم دشتی استفاده کردم. کلمات سیدالشهدا علیه السلام و دو جلد دانشنامه امام حسین علیه السلام منتخب میزان الحکمه، کتاب مصباح الشریعه ی علامه مصطفوی و همچنین کتاب جهاد النفس وسائل الشیعه نیز بسیار مفیدند.

در منبر و خطابه، از خطیب نام آوری الگو می گیرید؟ به خاطر چه شاخصه ای؟

از آقای انصاریان خیلی استفاده کردم. ایشان قدرت عجیبی دارد در ارتباط با مستمع. همچنین از منبر آیت الله بوشهری و خاتمی بسیار بهره بردم که در منبر در ارجاع دادن و استفاده از آیات و روایات دقت زیادی دارند.

چه قدر برای منبر مطالعه می کنید؟

من برای منبرهایم گاهی از چهار ماه قبل شروع به مطالعه می کنم؛ مثلاً برای فاطمیه از الآن ذهنم مشغول است، موضوع را انتخاب می کنم و از الآن درباره ی آن موضوع شروع به مطالعه می کنم.

استفاده از کتاب در بالای منبر را خوب می دانید؟

خطیب های قدیمی می گفتند این کار را نکنید و حفظ کنید؛ ولی الآن جامعه ی ما پذیرش این را دارد که کتاب بالای منبر ببریم. چه بسا که تأثیر بیشتری داشته باشد. من این کار را می کنم.

زمان منبر چه قدر باشد خوب است؟

۴۰ دقیقه خوب است. البته مواردی پیش آمده که مستمع آماده بوده و من بیشتر از یک ساعت هم صحبت کردم.

دلیل موفقیت خودتان را در تبلیغ چه می دانید؟

دعای پدر و مادر و توسل به اهل بیت.

نقش همسر در تبلیغ و منبر شما چه قدر بوده؟

تصور من این است که اگر همسر ما را همراهی نکند ما در هیچ کدام از این امور نمی توانستیم موفق باشیم.

نشریه ی منبر: از وقتی که در اختیار نشریه ی منبر گذاشتید تشکر می کنم.

سیدحسین مؤمنی: من هم از شما و همکاران تان تشکر می کنم.